



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



امام کاظم علیہ السلام
قہرمان صبر و استقامت
در بند زندان

محمد محمدی اشتهاردی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام کاظم (علیه السلام) قهرمان صبر و استقامت در بند زندان

نویسنده:

محمد محمدی اشتهاردی

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ امام کاظم(علیه السلام) قهرمان صبر و استقامت در بند زندان
۶ مشخصات کتاب
۶ امام کاظم قهرمان صبر و استقامت در بند زندان
۹ پاورقی
۹ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

خاموش کرد. «کاظم» کلمه نبود، بلکه یک جهان مقاومت و ایستادگی در برابر جباران شکنجه‌گر بود، شکوهی وصف‌ناپذیر به بلندای خورشید بود، فریادی صاعقه‌خیز بر خرمن هستی پلید طاغوتیان. شمشیر علی (ع) در دست داشت و فریاد فاطمه (س) در حنجره، و خون حسین (ع) در رگهایش جاری بود، او وجود عینی قرآن بود، حرکت‌های پرصلابت، و واکنش قاطع او در برابر زورمندان زراندوز و تزویرگران سالوس صفت، چون طوفان کوبنده‌ای بود که روزگار آنها را سیاه می‌کرد. وصفش را از کوه دماوند پرسیدم، گفت: از من استوارتر است، از امواج کوه پیکر اقیانوس پرسیدم گفت: از من خروشان‌تر است، از خورشید پرسیدم گفت: از من درخشان‌تر است، از ماه پرسیدم گفت: از من تابان‌تر است، از غرّش رعد و برق پرسیدم، گفتند: غرّش او بر ستمگران جبار از غرّش ما بلندتر و نافذتر است، از خدای بزرگ پرسیدم، فرمود: بنده صالح ما است و همواره در سجده‌های طولانی با ما در راز و نیاز است، از قرآن پرسیدم، گفت: آیه آیه من در زندگیش دیده می‌شود، از پیامبر (ص) پرسیدم، فرمود: «جبرئیل برایم این پیام را از سوی خداوند آورد، که خداوند فرمود: موسیٰ عِبْدِی وَ حَبِیبِی وَ خَیْرِتِی؛ [۱] حضرت موسی بن جعفر (ع) بنده و دوست من، و برگزیده من از میان انسان‌ها است». برای یافتن این مفاهیم در زندگی امام کاظم (ع) نظر شما را به چند نمونه از مقاومت و صبر انقلابی و پرصلابت آن حضرت در برابر هارون الرّشید، پنجمین طاغوت دیکتاتور عباسی، جلب می‌کنیم: ۱- هارون الرّشید در سال ۱۷۹ هـ.ق، در سفر حج وارد مدینه شد، و امام کاظم (ع) را به جرم این که تسلیم حکومت جابرانه او نبود، بلکه رو در روی او قرار گرفته بود، دستگیر کرده و همراه دژخیمان بی‌رحمش به سوی بصره فرستاد، و آن حضرت را در بصره به زندان افکندند، او در زندان آن چنان صبور و مقاوم بود که گویی حادثه‌ای در زندگی‌اش رخ نداده، بلکه مکرر به درگاه خدا سپاسگزاری می‌کرد و در دعا چنین می‌گفت: «اللّهُمَّ إِنَّكَ تَعَلَّمْ أَنِّي كُنْتُ أَسْئَلُكَ أَنْ تَفَرِّغَنِي لِعِبَادَتِكَ، أَللّهُمَّ وَ قَدْ فَعَلْتَ فَالْكَ الْحَمْدُ؛ [۲] خدایا تو بر حال من آگاهی که از درگاهت تقاضا داشتم مرا در خلوتگاه قرار دهی تا با فراغت بیش‌تر تو را عبادت کنم، تقاضایم را برآوردی، تو را شکر و سپاس می‌گویم». آری آن حضرت زندانی شدن را که در مسیر نهی از منکر بود، از نعمت‌های الهی می‌دانست، و از این که در زندان توفیق بیش‌تر برای ارتباط با خدا یافته، شکر و سپاس الهی را به جای می‌آورد. ۲- در آن هنگام که امام کاظم (ع) را به زندان سخت «سندی بن شاهک» بردند، و در آن جا تحت شکنجه‌های شدید قرار گرفت، هارون یکی از درباریان خود به نام «ربیع» را طلبید، و او را مأمور کرد که به زندان نزد امام کاظم (ع) برود و از او دلجویی نماید و پیشنهاد آزاد شدن از زندان را به او بدهد، و به تقاضاهایش توجه کند. ربیع در زندان، به محضر امام کاظم (ع) رسید و به آن حضرت چنین گفت: «برادرت (هارون) مرا نزد تو فرستاده او سلام رساند و گفت به شما چنین عرض کنم؛ چیزهایی درباره تو به من خبر داده‌اند که مرا پریشان ساخت. از این رو، از مدینه تو را به این جا (بغداد) نزد خودم آوردم، در مورد آن چیزها تحقیق کردم دیدم، تو از همه عیوب پاک هستی، و فهمیدم که نسبت دروغ به تو داده‌اند. اینک با خود فکر کردم که تو را به خانه‌ات (در مدینه) بازگردانم، یا نزد خود نگهدارم، به این نتیجه رسیدم که اگر در نزد من باشی، سینه‌ام از عداوت تو خالی‌تر خواهد شد، و دروغ بدخواهان را آشکارتر خواهد کرد، من ربیع را مأمور نمودم تا هرگونه غذایی را مایل هستی و هرگونه تقاضایی داری تأمین کند، با کمال روگشادی از او بخواه که بر آورده خواهد شد». امام کاظم (ع) با کمال بی‌اعتنایی به پیام هارون، در دو جمله کوتاه و پرمعنی که نشان‌دهنده مقاومت و صلابتش بود، در پاسخ ربیع فرمود: «لَا حَاضِرٌ مَالِی فَيَنْفَعُنِی وَ لَمْ أُخْلَقْ سَوْوَالاً؛ اموال خودم در نزد من حاضر نیست تا از آن بهره‌مند گردم، و خداوند مرا درخواست کننده از خلق نیافریده است». آن گاه امام بی‌درنگ برخاست و گفت: اللّهُ أَكْبَرُ و مشغول نماز شد. ای سرور من! هرگاه بر روی زمین خطی ترسیم شود، و موسی بن جعفر (ع) وارد آن خط گردد، سپس بگوید از آن خط خارج نمی‌شوم، هرگز خارج نخواهد شد. ربیع، پس از انجام مأموریت، نزد هارون بازگشت و ماجرای ملاقات خود را با امام کاظم (ع) به هارون گزارش داد. هارون به ربیع گفت: «روحیه موسی بن جعفر (ع) را چگونه دیدی؟ و نظرت درباره او چیست؟» ربیع در پاسخ گفت: «یا سَیِّدِی! لَوْ حُطِطَتْ فِی الْأَرْضِ حِطَّةٌ فَدَخَلَ فِیْهَا مُوسَىٰ بِنِ جَعْفَرٍ (ع) ثُمَّ قَالَ لَا- أَخْرَجُ مِنْهَا مَا خَرَجَ مِنْهَا؛ ای سرور من!

هر گاه بر روی زمین خطی ترسیم شود، و موسی بن جعفر (ع) وارد آن خط گردد، سپس بگوید از آن خط خارج نمی‌شوم، هرگز خارج نخواهد شد». هارون که امام کاظم (ع) را می‌شناخت و از مقاومت و اراده قاطع آن حضرت باخبر بود، سخن ربیع را تصدیق کرد و گفت: «همین گونه است که گفتم و من بیشتر دوست دارم که او در نزد من در همین جا (زندان بغداد) بماند.» [یعنی مقاومت و استواری او آن چنان محکم است که بازگشت او به مدینه برای حکومت ما خطر آفرین خواهد بود.] آن گاه هارون به ربیع گفت: «این موضوع محرمانه بماند، مبادا آن را برای کسی نقل کنی». ربیع می‌گوید: تا هارون زنده بود، از ترس او، این ماجرا را به کسی نگفتم. [۳]. ۳- در مورد دیگر، هارون به وسیله یحیی بن خالد برای امام کاظم (ع) که در زندان بود، پیام داد که هر گاه به طور کوتاه عذرخواهی کنی که از ذمه سوگند بیرون آیم، تو را آزاد خواهیم کرد، زیرا قبلاً سوگند یاد نموده‌ام تا اقرار نکنی که با من بدرفتاری نموده‌ای، تو را آزاد نسازم. امام کاظم (ع) با کمال بی‌اعتنایی به پیام هارون، به یحیی فرمود: «مرگ من نزدیک است و بیش از یک هفته در دنیا باقی نخواهم بود». [۴]. امام هنگامی که این حدود را نام می‌برد، رنگ هارون لحظه به لحظه تغییر می‌کرد، به طوری که سیاه شد و فریاد زد: «دیگر برای ما چیزی نماند بنابراین بر مسند من بنشین.» [یعنی تو خواهان حکومت هستی، و با این بیان می‌گویی زمام امور رهبری باید در دست من باشد.] ۴- هارون خواست از راه تطمیع، امام کاظم (ع) را بفریبد، خود را به زندان فضل بن ربیع رسانید و امام با وساطت «فضل بن ربیع» نزد هارون آمد، هارون به حضرت احترام شایانی نمود، آن گاه پرسید: «چرا به دیدار ما نمی‌آیی؟» امام کاظم (ع) در پاسخ فرمود: «وسعت سلطنت و علاقه و دل بستگی تو به دنیا باعث شده که با تو ملاقات نکنم.» هارون مقداری درهم و دینار و خلعت، به آن حضرت اهدا کرد، امام کاظم (ع) آن را پذیرفت، و هنگام پذیرفتن چنین فرمود: «سوگند به خدا اگر هزینه مسأله ازدواج عزب‌های خاندان ابوطالب و در نتیجه قطع نسل آنها نبود، هرگز این پول‌ها را نمی‌پذیرفتم.» امام (ع) پس از این سخن، روی خود را به عنوان اعتراض از هارون برگردانید، و حمد و سپاس الهی را به جای آورد. [۵]. ۵- هارون در ملاقاتی به امام کاظم (ع) عرض کرد: «فدک را (که حق شما است) بگیر تا آن را در اختیار شما بگذارم.» امام امتناع ورزید تا این که پس از اصرار بسیار هارون، امام فرمود: «آن را با حدودی که دارد می‌گیرم.» هارون گفت: حدود آن چقدر است؟ امام کاظم (ع) فرمود: «اگر حدود آن را مشخص کنم، آن را در اختیار من نمی‌گذاری.» هارون گفت: به حق جدت سوگند، آن را در اختیار شما می‌گذارم. امام کاظم (ع) فرمود: «حدّ اول آن، عِدَن است، حدّ دوم آن سمرقند است، حدّ سوم آن آفریقا است، و حدّ چهارم آن سیف البحر نزدیک جزایر ارمنستان است.» امام هنگامی که این حدود را نام می‌برد، رنگ هارون لحظه به لحظه تغییر می‌کرد، به طوری که سیاه شد و فریاد زد: «دیگر برای ما چیزی نماند بنابراین بر مسند من بنشین.» [یعنی تو خواهان حکومت هستی، و با این بیان می‌گویی زمام امور رهبری باید در دست من باشد.] امام کاظم (ع) فرمود: «من که گفتم اگر حدود فدک را مشخص کنم آن را در اختیار من نمی‌گذاری.» در این هنگام هارون تصمیم گرفت تا آن حضرت را به قتل برساند. [۶]. ۶- هنگامی که امام کاظم (ع) در زندان بود، هارون به دلیل مقاصد شومی که داشت، کنیز زیبارویی را به عنوان خدمتگذاری به امام، به زندان فرستاد، آن کنیز را به زندان آوردند، و مراحم و الطاف هارون را به عرض امام رساندند [هارون می‌خواست از این طریق، امام را از خود خشنود سازد] امام آن کنیز را نپذیرفت و به عامری (شخصی که واسطه رساندن کنیز شده بود)، فرمود: به هارون بگو «بَلْ أَنْتُمْ بَهْدَيْتُمْ تَفْرَحُونَ؛ بلکه این شماست که به هدایایتان شاد هستید». [۷]. ۷- عامری بازگشت و ماجرا را به هارون گفت، هارون خشمگین شد و به عامری گفت: «به موسی بن جعفر (ع) بگو نه ما با رضایت تو، تو را زندانی کرده‌ایم و نه با رضایت تو خدمتگذار به نزد تو فرستاده‌ایم.» سپس کنیز را در آن جا رها کن و بیا، آن گاه خادم خود را مأمور کرد تا محرمانه وضع امام و کنیز را به او گزارش دهد. خادم پس از مدتی به هارون گزارش داد که آن کنیز آن چنان تحت تأثیر چهره ملکوتی امام کاظم قرار گرفته که به سجده افتاده و سر از سجده بر نمی‌دارد، و مکرر خدا را تسبیح و تقدیس می‌کند و می‌گوید «فُلُدُوسُ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ». هارون گفت سوگند به خدا موسی بن جعفر (ع) او را جادو نموده، او را نزد من بیاور، عامری کنیز را نزد هارون آورد،

در حالی که کنیز از خوف خدا به شدت می‌لرزید هارون گفت: این چه حالی است که پیدا کرده‌ای؟ کنیز گفت: «امام را دیدم شب و روز غرق در عبادت و تسبیح است به آن حضرت گفتم برای خدمتگذاری شما آمده‌ام، چه کاری داری تا انجام دهم؟ فرمود: نیازی به تو ندارم، اینها چه خیال می‌کنند ناگاه به سویی متوجه شد، من نیز به آن سو متوجه شدم، باغی پرصفا با حوریان و غلمان دیدم، بی‌اختیار به سجده افتادم، تا این غلام مرا به این جا آورد. هارون خشمگین شد و دستور داد آن زن را تحت نظر بگیرند تا وقایع زندان را به کسی خبر ندهد، او هم چنان تحت نظر مشغول عبادت بود تا از دنیا رفت. [۸].

پاورقی

[۱] محدث کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۲۸، حدیث لَوْح.

[۲] شیخ مفید، ارشاد مفید (ترجمه شده) ج ۲، ص ۲۳۲.

[۳] محدث قمی، انوار البهیة، ص ۳۰۳ و ۳۰۴.

[۴] همان.

[۵] شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۷۶، و علامه مجلسی، بحار، ج ۴۸، ص ۲۱۷.

[۶] محقق سروی، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۲۱.

[۷] نمل (۲۷) آیه ۳۶، این سخن در قرآن از زبان حضرت سلیمان (ع) نقل شده که به هدیه آورندگان بلقیس (ملکه کافر سبأ) فرمود.

[۸] محقق سروی، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۹۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۵۲۴-۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

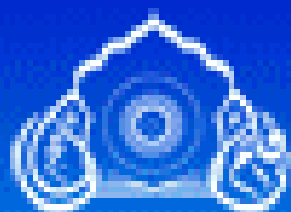
است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

